دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقه
زن و خانواده
سال سوم، شماره ششم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

پوشش بانوان در برابر محارم از منظر فقه

نرگس اعتمادی[۱]

چکیده

یکی از مسائل فطری که در حوزه فقه و اخلاق مطرح می‌شود، مسئله حجاب زنان در برابر مردان است. اسلام به‌جهت تمایلات دو جنسِ مخالف نسبت به یکدیگر و آثار سوء عدم حجابِ مناسبِ زنان در مقابل مردان، محدودیت‌هایی را به لحاظ پوشش برای هر دو طرف قرار داده است. باتوجه‌به حضور زنان در عرصه‌های مختلف، گاهی زنان در برابر غیرمحارم ظاهر می‌شوند و گاهی حضور آنها در برابر محارم است که اسلام در هر مورد، حدودی را برای پوشش بانوان مشخص کرده است. حدود پوشش بانوان در برابر محارم، مورد اختلاف است. به‌طوری‌که مشهور فقها قائل به این هستند که نگاه به تمام بدن زنان محرم به‌استثنای عورت، جایز است و در مقابل، برخی از فقها معتقدند که نگاه به بدن زن محرم، غیر از صورت، موها، گردن، دست‌ها و پاها تا مچ جایز نیست. همچنین با بررسی آیات و روایات و بررسی پوشش زنان در برابر محارم قبل از نزول آیات حجاب، این نکته به دست می‌آید که در آیاتِ قرآن، حجاب زنانِ محرم نسبت به مردان، همان حجاب سابق بوده است؛ یعنی زنان، تمام بدن به غیر از صورت، موها، گردن، دست‌ها و پاها تا مچ را می‌پوشاندند؛ بنابراین بانوان باید در برابر محارم، بدن خود را به‌استثنای صورت، موها، گردن، دست‌ها و پاها تا مچ را بپوشانند.

واژگان کلیدی: مَحرم، عورت، ستر، نظر، فقه.

---

۱. دانش پژوه سطح چهار رشته فقه و اصول و استاد ثابت گروه فقه و اصول جامعة الزهراء علیها السلام، قم، ایران؛
ershadkhah1352@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۸

مقدمه

در دیـن جامـع اسـلام، احـکام مختلفـی در زمینه روابط فـردی و اجتماعی وضع شـده است. باتوجه‌به آسیب‌پذیری در ارتباط بین زن و مرد، اسلام قوانینی را در این مورد قرار داده اسـت؛ برخی از این احکام، درباره نوع پوشـش زنان در مقابل مردان محرم اسـت. باتوجه‌به ادله، دو قول دررابطه‌با پوشش زنان در برابر محارم وجود دارد؛ مشهور فقها قائل بـه حجـابِ حداقلـی و برخی از فقهـا قائل به حجـاب حداکثری هسـتند. این پژوهش درصدد بررسی ادلهٔ دو قول و دستیابی به نتیجهٔ صحیح از منظر فقه است.

باتوجه‌به اهمیت دین مبین اسلام نسبت به حفظ حریم زن و مرد و وجود ارتباطات سـالم، رعایـت پوشـش مناسـب در برابر محارم تأثیر بسـزایی در ایجـاد محیطی امن در روابط موجود دارد.

بحـث پوشـش بانـوان در برابر محارم، در باب نـکاح و احکام نظر و سـتر در منابع فقهی مطرح شده است. در مقاله «پوشش بانوان در برابر محارم» نوشته احمد عابدینی به اقوال و ادله در بحث پوشش بانوان در مقابل محارم پرداخته شده، اما به قول فقهای معاصر اشـاره‌ای نشـده اسـت. در مقالهٔ «واکاوی دیدگاه فقیهان امامیه در حد پوشـش زنـان در مقابـل محارم» نوشـته رضا حق‌پناه و ابراهیم محمدزاده، محور بحث براسـاس نظـر مشـهور در پوشـش در مقابـل محارم قـرار گرفته و به ادلـه مخالفان به‌طـور مختصر پرداخته شده است؛ اما در این پژوهش هدف آن است که در مجموعه‌ای واحد، اقوال موجـود در مسـئله به همراه ادله، مورد بررسـی قرار گیرند و سـپس با ارائـه ادله و نقد قولِ مخالف، قول صحیح تعیین شود.

سؤالات پژوهش

الف) قول مشهور دررابطه‌با پوشش بانوان در برابر محارم چیست؟

ب) دلالت آیات و روایات بر رعایت حجاب حداقلی در برابر محارم چگونه است؟

ج) ادلهٔ قائلین به حجاب حداکثری در برابر محارم چیست؟

۱. مفاهیم

۱ـ۱. عورت

عـورت از مـاده عـور بـه معنـای نابینایـی (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۴، ص۶۱۲؛ فراهیـدی، ۱۴۱۰، ج۲، ص۲۳۵) و عیب و خلل در شیء است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۴، ص۶۱۴) عورت گاهی بر مرزها، جنگل‌ها و خانه‌ها اطلاق می‌شود و آن، زمانی است که خوف حمله و غارت و قتل در مرزهـا و جنگ‌هـا و خانه‌ها وجود دارد. (همـان، ص۶۱۷؛ فراهیـدی، ۱۴۱۰، ج۲، ص۲۳۷؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۷۶۰) در معنای دیگر، عورت، هر چیزی است که ظاهر شدن آن موجب شرم و حیـا می‌شـود و بر شـرمگاه انسـان عورت اطلاق می‌گـردد. (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۴، ص۶۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۲، ص۲۳۷؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۷۶۰)

در اصطلاح، عورت در مرد به معنای قُبُل (آلت ذکوریت) و دُبُر است. (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۹۵؛ حلی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۴۴۶؛ عاملی، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۰) برخی قائل به این هسـتند که عورت در مرد از ناف تا زانو است؛ (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۸۳؛ حلبی، ۱۴۰۳، ص۱۳۹) درحالی‌که عورت در زن، تمام بدن او، غیر از صورت و دست‌ها، (حلی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۴۴۶) روی پا (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۹۵؛ عاملی، ۱۴۱۰، ج۱، ص۶۰) و کف پا (عاملی، ۱۴۱۹، ج۳، ص۸؛ عاملی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۱۴۷) است.

۱ـ۲. مَحرَم

محـرم از حـرم به معنای حـرم مکه (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۱۲، ص۱۲۲؛ فراهیـدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۲۲۱؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۵، ص۱۸۹۶) تا نزدیک مواقیت احرام اسـت. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۲۲) حرام نقیض حلال است (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۱۲، ص۱۱۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۲۲۳؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۵، ص۱۸۹۵) و مَحرَم، زن صاحب رحمی است که ازدواج با او حلال نیست. (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۱۲، ص۱۲۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۲۲۲؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۵، ص۱۸۹۶)

در اصطلاحِ فقها، مَحرَم زنی است که ازدواج با او به لحاظ نسب یا سبب یا رضاع یا ملکیت، حرام است. (حلی، ۱۴۰۶، ج۳، ص۲۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج۲، ص۸۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۲، ص۷۲)

۱ـ۳. سِتر

ستر از ماده سَتَر به معنای پوشاندن و سِتر به معنای پرده و پوشش‌دهنده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۵، ص۲۱۵؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۶۷۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۳۹۶)

در ابواب مختلفِ فقه مانند صلاة یا نکاح از سَتر به معنای پوشاندن و سِتر به معنای پوشش استفاده شده است.

۱ـ۴. نظر

نظر از ماده نظر به معنای نگاه کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۴، ص۳۴۴؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۸۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۸۱۳) و گاهی مراد از آن، تدبّر و تأمّل و دقّت است (طریحی، ۱۴۱۳، ج۳، ص۴۹۸) و گاهی مراد، نتیجهٔ بعد از فحص و تأمّل می‌باشد. (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۵، ص۲۱۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۸۱۲) نظر به معنای نگاه کردن است و احکامی در فقه دارد که در غالب موارد مربوط به باب نکاح می‌باشد.

۱ـ۵. فقه

فقه از ماده فقه به معنای علم به شیء (ابن‌منظور، ۱۴۱۳، ج۳، ص۵۲۲) و فهم آن است (همان، ص۵۲۲؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج۶، ص۲۴۳) و معنای دیگر آن، علم در دین است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۳۷۵)

در اصطلاح، فقه، حجّت تفصیلی بر احکام فرعیِ دینی و موضوعات مستنبطه در نزد شخص است. (مشکینی، بی‌تا، ص۴۰۳) به‌عبارت‌دیگر، فقه، علم به احکام شرعی است که از ادلهٔ تفصیلی به دست می‌آید. (محمودعبدالرحمان، بی‌تا، ج۳، ص۵۰)

۲. اقوال مختلف درباره پوشش بانوان

دربارهٔ پوشش بانوان دربرابر محارم دو قول وجود دارد: ۱. قول مشهور که قائل به جواز نظر محارم به کل بدن زن به‌استثنای عورتین است؛ ۲. قول غیرمشهور که قائل به پوشش حداکثریِ بانوان دربرابر محارم می‌باشد.

۲ـ۱. قول مشهور (جواز نظر محارم به کل بدن زن به‌استثنای عورتین)

مشهورِ فقها قائل به این هستند که نگاه کردن به تمام قسمت‌های بدنِ زن مَحرم، به غیر از عورت جایز است (حلی، ۱۴۰۸، ج۲، ص۲۱۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج۷، ص۲۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج۲، ص۸۰۳) و ادلـه‌ای را بـرای این حجاب حداقلـی در برابر محارم ذکر کرده‌اند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۲ـ۱ـ۱. دلایل قول مشهور

۲ـ۱ـ۱ـ۱. سیره قطعی از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

سیرهٔ قطعی از زمان رسول خدا بر این بوده که زنان در برابر فرزندان، پدران، برادران و دیگر محارم، حجاب و پوشش نداشته‌اند. (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۵۱)

اِشکال

بحث درباره داشتن حجاب زن در برابر مردان محرم نیست؛ بلکه بحث درباره این موضـوع اسـت که آیـا زن می‌تواند با بدن برهنـه در برابر مردان مَحرم ظاهر شـود یا خیر؟ با مطالعه کتب تاریخی این نکته به دسـت می‌آید که زنان به شـکل برهنه و با لُنگی که تنها بین ناف و زانو یا کمتر از آن را بپوشـاند، در برابر مردان محرم خود ظاهر نشـده‌اند. به‌عبارت‌دیگر پوشاندن سر، گردن، دست‌ها و کمی بالاتر از مچ در نزد مردان مَحرم لازم نیست و سیره نیز نشان می‌دهد که زنان این اندازه از پوشش را در نزد محارم نداشتند؛ اما سیره‌ای مبنی بر اینکه به شکل عریان یا نیمه‌عریان در برابر مردان محرم ظاهر شده باشند، دیده نشده است. (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۱ـ۱ـ۲. آیه ۳۱ سوره نور

آیـه ۳۱ سـوره نـور ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ﴾؛ «زینـت و جمـال خـود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود و پدران و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر

و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود»، دلالت بر عدم لزوم پوشش در برابر محارم می‌کند که می‌توان با عدم‌قول به فصل، به همه محارم سرایت داد. (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۵۱)

اِشکال

از ظاهر آیهٔ شریفه استفاده می‌شود که زن در برابر محارمِ خود، همان حالت قبلیِ حجاب را دارد؛ یعنی قسمت‌هایی از بدن را که قبل از نزول این آیه می‌پوشانده، همچنان بپوشاند و قسمت‌هایی که نمی‌پوشاند، بعد از نزول آیه نیز پوشاندن آنها لازم نیست و براساس ظاهر آیات و شأن نزول آنها و روایات، پوشاندن سر و صورت و گردن و دست‌ها تا ساعد لازم نیست؛ اما پوشاندن قسمت‌های دیگر بدن، به حالت اولیه‌ای که داشته، باقی می‌ماند و باید پوشانده شود.[1] (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۱ـ۱ـ۳. روایات متظافر در حد تواتر

روایت‌های متظافری که نزدیک به حد تواتر است، دلالت بر جواز غسل زن مَحرم توسط مرد دارد. باتوجه‌به اینکه معمولاً چشم کسی که زن محرم را غسل می‌دهد، به همهٔ قسمت‌های بدن زن می‌افتد و حکم نگاه به بدن مرده و زندهٔ مسلمان یکسان است، لذا می‌توان از این روایات، جواز نگاه به کل بدن زن مَحرم به‌استثنای عورت را ثابت کرد. (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۵۲)

درمجموع روایات مربوط به غسل زن مسلمان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) عدم وجود مرد مَحرم

چنانچه مرد مَحرمی که قادر به غسل زن باشد، وجود نداشته باشد، در این صورت یکی از سه کار انجام می‌شود:

۱. با لباسی که در تن دارد، بدون غسل، بر او کفن می‌پوشانند و به خاک می‌سپارند؛

۲. صورت، کفِ دست‌ها و پشت دست‌ها را می‌شویند و او را به خاک می‌سپارند؛

۱. این بحث در بخش بعدی در ادله قائلین به حجاب حداکثری در برابر محارم بررسی خواهد شد.

۳. او را تیمم می‌دهند و به خاک می‌سپارند.
این دسته از روایات، خارج از موضوع مقاله است.

ب) وجود غیرِهم‌جنس

گاهی مَحرم از غیرِ هم‌جنس وجود دارد؛ در این صورت روایات بر چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. شخص مَحرم تنها شرمگاه زن را می‌پوشاند و او را غسل می‌دهد؛
۲. شخص محرم او را از زیر لباس غسل می‌دهد؛
۳. شخص محرم تا آرنج‌های زن را می‌شوید و یا دست خود را تا آرنج، زیر لباس زنِ میت می‌برد و او را غسل می‌دهد؛
۴. شخص محرم، او را غسل می‌دهد.

در این دسته از روایات، سخنی از برهنگی، پوشیدگی، زیر لباس و روی لباس و... نیامده است.

روایات دسته اول: شخص محرم، تنها شرمگاه زن را می‌پوشاند و او را غسل می‌دهد

۱. عن منصوربن‌حازم قال: سألت أباعبدالله علیه‌السلام عن الرجل یخرج فی السفر و معه امرأته، یغسلها؟ «قال: نعم، و أمّه و أخته، و نحو هذا، یلقی علی عورتها خرقة». (کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۱۵۸، ح۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب ۲۰ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ص۵۱۶، ح۱) منصوربن‌حازم از امام صادق دربارهٔ مردی سؤال کرد که به سفر می‌رود و همراه او زنی است، آیا می‌تواند زن را غسل دهد؟ حضرت فرمود: بله و مادر و خواهرش را و مثل او را می‌تواند غسل دهد، [البته باید] بر روی عورت او پارچه‌ای بیندازد.

۲. سأله منصوربن‌حازم عن الرجل یسافر مع امرأته فتموت، أیغسّلها؟ «قال نعم و امّه و اخته و نحوها یلقّی علی عورتها خرقة و یغسّلها». (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج۱، ص۱۵۵، ح۴۳۰ و ح۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب ۲۰ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ص۵۱۶، ح۲) منصوربن‌حازم از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ مردی سؤال کرد که به همراه زنی به مسافرت می‌رود و زن می‌میرد، در

این صورت آیا این مرد می‌تواند زن را غسل دهد؟ حضرت فرمود: بله و مادر و خواهرش و مثل آنها را باید بر عورت او پارچه‌ای انداخته و او را غسل دهد.

مضمون روایت اول و دوم درباره زوجه، روشن است؛ اما درباره مادر و خواهر و.... روشن نیست؛ زیرا اگر مقصود امام، همهٔ آن افراد بود، باید می‌فرمود: (یلقی علی عورتهنّ)؛ درحالی‌که در دو نسخه (عورتها) آمده است؛ به‌هرحال این روایت دلالت بر جواز غسل زن مَحرم توسط مرد می‌کند؛ اما اینکه به چه کیفیتی و چه قسمت‌هایی از بدن باید پوشانده شود، اشاره‌ای نشده است.

۳. عن أبی جمیله، عن زید الشحّام قال: سألت أباعبدالله علیه‌السلام عن امرأة ماتت و هی فی موضع لیس معهم امرأة غیرها؟ «قال: إن لم یکن فیهم لها زوج و لا (ذو رحم) دفنوها بثیابها و لا یغسّلونها، و إن کان معهم زوجها أو ذو رحم لها فلیغسّلونها من غیر أن ینظر إلی عورتها». (عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب ۲۰ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ص۵۱۸، ح۷) راوی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره زنی که در جایی فوت می‌کند و در آنجا زنی نیست که وی را غسل دهد، سؤال کردم؟ حضرت در پاسخ فرمود: اگر در بین مردان، شوهر او و یا محرمی وجود دارد، باید بدون نگاه‌کردن به عورت، او را غسل دهد.

از روایات دسته اول این نکته به دست می‌آید که عورت زن باید پوشانده شود، حتی اگر غسل‌دهنده، شوهر او باشد؛ اما روایت درباره پوشاندن دیگر قسمت‌های بدن سکوت کرده است؛ ازاین‌رو اگر سایر روایت‌ها بر پوشاندن تمام بدن حتی سر و گردن یا پوشاندن تمام بدن به‌استثنای سر و گردن دلالت داشتند، با روایات این دسته منافاتی ندارند؛ زیرا براساس نظر هر دو گروه از روایات، پوشاندن عورت بسیار اهمیت دارد و پوشاندن قسمت‌های دیگر بدن نیز واجب است؛ اما از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد.

روایات دسته دوم: شوهر و یا محرمِ دیگری باید، زن را از زیر لباس غسل دهد:

۱. عن عمّاربن‌موسی، عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام، أنّه سئل عن المرأة تموت فی السفر و لیس معها امرأة

مسلمة و معهم نساء نصاری و عمّها و خالها معها مسلمون، «قال: یغسلونها و لا تقربنها النصرانیة، کما کانت تغسلها، غیر أنّه یکون علیها درع فیصبّ الماء من فوق الدرع». (همان، ص۵۱۷، ح۵) از امام صادق علیه‌السلام درباره زنی پرسیدم که در سفر می‌میرد و زن مسلمانی نیست که او را غسل دهد؛ ولی زنی نصرانی و عمو و داییِ مسلمان آن زن حضور دارند؟ حضرت فرمود: عمو و داییِ مسلمان، او را غسل دهند و نصرانی به‌هیچ‌وجه به میّت نزدیک نشود؛ بله، میّت باید لباس داشته باشد و آب از روی لباس بر روی بدن وی ریخته شود.

۲. **عن محمدبن‌مسلم قال: سألت أباعبدالله علیه‌السلام عن الرجل یغسّل امرأته؟ قال: «نعم، من وراء الثوب».** (کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۱۵۷، ح۳؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ص۵۲۹، ح۲) از امام صادق علیه‌السلام در مورد غسل زن توسط شوهر سؤال کردم. حضرت در پاسخ فرمود: «بله، از روی لباس می‌تواند».

۳. **داودبن‌سرحان عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام فی امرأة تکون مع الرجال بتلک المنزلة: إلّا أن یکون معها زوجها، «فإن کان معها زوجها فلیغسّلها من فوق الدرع، و یسکب علیها الماء سکبا»** (عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ص۵۳۱)؛ امام صادق علیه‌السلام درباره زنی که همراه گروهی از مردان است و می‌میرد، فرمود: اگر شوهر وی، همراه آنان است، باید او را از روی لباس غسل دهد و بر او آب بریزد.

۴. **أبی الصباح الکنانی، عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام ، قال: «المرأة تکون مع الرجال بتلک المنزلة: تدفن و لا تغسّل، الّا أن یکون زوجها معها، فإن کان زوجها معها غسّلها من فوق الدرع و یکسب الماء علیها سکبا، و لا ینظر الی عورتها».** (همان، ص۵۳۲، ح۱۲) امام صادق علیه‌السلام درباره زنی که همراه گروهی از مردان است و می‌میرد، فرمود: اگر شوهر وی، همراه آنان است، باید او را از روی لباس غسل دهد و بر او آب بریزد و به عورت او نگاه نکند.

۵. **حمّاد عن الحلبی عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام ، قال: سئل عن الرجل یغسّل امرأته؟ قال: «نعم، من وراء الثوب، لا ینظر إلی شعرها، و لا إلی شیء منها».** (همان، ح۱۱) از امام صادق پرسیده شد:

آیا مرد همسرش را غسل می‌دهد؟ امام فرمود: بله از روی لباس؛ اما به مو و هیچ قسمتی از بدن او نگاه نکند.

روایات دسته سوم: بعضی از روایات دلالت بر این دارند که مرد، همسر خود را از زیر لباس و تنها تا آرنج غسل می‌دهد:

۱. **سماعة قال: سألته عن المرأة إذا ماتت؟ قال: «یدخل زوجها یده تحت قمیصها إلی المرافق».** (کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۱۵۸، ح۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ج۲، ص۵۳۰، ح۵) سماعة از امام صادق درمورد زنی پرسید که فوت کرده بود؟ امام فرمود: شوهرش دست‌های خود را تا آرنج به زیر پیراهن او می‌برد.

۲. **حلبی عن أبی‌عبدالله، فی امرأة إذا ماتت و لیس معها امرأة تغسّلها، قال: «یدخل زوجها یده تحت قمیصها فیغسّلها إلی المرافق».** (عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ج۲، ص۵۳۱، ح۸) راوی از امام صادق می‌پرسد: زنی مرده و با او زنی نیست که وی را غسل دهد؟ امام فرمود: شوهرش دست‌های خود را تا آرنج به زیر پیراهن وی می‌برد و می‌شوید.

در این روایات چند احتمال وجود دارد:

۱. مرد دست خود را به زیر لباس زن می‌برد و همه قسمت‌های بدن او را به‌استثنای شرمگاه و فاصله بین آن دو را می‌شوید؛

۲. شوهر دست خود را تا آرنج به زیر لباس زن می‌برد؛

۳. شوهر تنها تا آرنج زن را می‌شوید.

روایت حلبی که از سند صحیحی برخوردار است، با احتمال سوم، سازگارتر است؛ درهرحال هریک از این سه احتمال صحیح باشد، در بحث فرقی نمی‌کند و نشان می‌دهد که شوهر نمی‌تواند بدن همسر خود را برهنه کند و به آن نظر بدوزد.

روایات دسته چهارم: این دسته از روایات، بدون هیچ قیدی، بیانگر جواز غسل زن از سوی شوهر است؛ البته درصورتی‌که زنی وجود نداشته باشد:

۱. **عبدالله‌بن‌سنان قال: سألت أباعبدالله علیه‌السلام عن الرجل، أیصلح له أن ینظر إلی امرأته حین تموت؟ أو یغسّلها إن لم یکن عندها من یغسّلها؟ و عن المرأة، فقال: «لا بأس بذلک، إنّما یفعل ذلک أهل المرأة کراهیّة أن ینظر زوجها»**. (قمی، ۱۴۱۳، ج۱، ص۱۴۲، ح۳۹۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ج۲، ص۵۲۸، ح۱) راوی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا صلاح است مرد به هنگام مرگ همسرش، به وی بنگرد یا اگر زنی نیست که او را غسل دهد، شوهر می‌تواند او را غسل بدهد؟ حضرت فرمود: اشکالی ندارد، تنها خویشاوندان زن دوست ندارند که شوهر نگاه کند به آنچه که آنان خوش ندارند.

۲. **محمدبن‌مسلم قال: سألته عن الرجل یغسّل امرأته؟ قال: «نعم، إنّما یمنعها أهلها»**. (عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ج۲، ص۵۲۹، ح۴) از حضرت صادق پرسیدم: آیا مرد همسرش را غسل می‌دهد؟ فرمود: «بله، تنها خویشاوندان زن از روی تعصب، شوهر را از این کار بازمی‌دارند».

۳. **اسحاق‌بن‌عمار عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام قال: «الزوج أحقّ بامرأته حتّی یضعها فی قبرها»**. (همان، ص۵۳۱، ح۹) امام صادق می‌فرماید: شوهر از هر کسی به زن سزاوارتر است تا او را در قبر بگذارد.

۴. **أبوبصیر قال: قال أبوعبدالله علیه‌السلام: «یغسّل الزوج امرأته فی السفر و المرأة زوجها فی السفر إذا لم یکن معهم رجل»**. (همان، ص۵۳۳، ح۱۴) حضرت صادق فرمود: شوهر، همسر خویش را در سفر غسل می‌دهد و زن نیز اگر مردی نبود، شوهرش را در سفر غسل می‌دهد.

۵. روایات بسیاری وجود دارد که امام علی علیه‌السلام همسر خویش، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را از روی لباس غسل داده است؛ اما نسبت به اینکه غسل از روی لباس یا از زیر لباس بوده، روایات اجمال دارد. (همان، ص۶۳۳، ح۱۵ و ص۵۳۰، ح۶)

بررسی روایات

دسته اول و دوم روایات با یکدیگر سازگاری دارند. دسته اولِ روایات بر این دلالت می‌کنند که عورت زن، به هنگام غسل باید پوشیده باشد و دسته دوم روایات حاکی از آن است که بدن زن، باید از زیر لباس غسل داده شود؛ به این معنا که عورت و غیر عورت، به هنگام غسل باید پوشیده شود. دسته سوم از روایات هم از آن جهت که دلالت بر عدم جواز برهنه بودن بدن دارد، با دسته دوم روایات هماهنگی دارد و بحث در چگونگی و مقدار شستن است.

از طرف دیگر، سه دسته اول از روایات با روایات دسته چهارم سازگاری دارند؛ زیرا اگرچه دسته چهارم از روایات، به اجمال نگاه شوهر به همسرِ مرده را جایز می‌داند و سه دسته اولِ روایات، به اجمال این نگاه را جایز نمی‌دانند، اما به قرینهٔ صحیحهٔ محمدبن‌مسلم می‌توان گفت روایات دسته چهارم، نگاه همسر به سر و صورت زن به هنگام غسل را جایز می‌داند و روایات دسته اول و دوم و سوم، درباره دیگر قسمت‌های بدن غیر از سر و صورت سخن می‌گویند؛ ازاین‌رو این روایات با یکدیگر منافات ندارند؛ اما صحیحه حماد از حلبی با صحیحه محمدبن‌حسن ناسازگار است و درنتیجه صحیحه حلبی از حجیت ساقط می‌شود؛ زیرا روایات بسیاری وجود دارد که از آنها به‌طور اجمال برمی‌آید که شوهر می‌تواند به زن خود هنگام غسل نگاه کند. (عابدینی، ۱۳۷۹)

بنابراین باتوجه‌به مطالب پیش‌گفته می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

الف) از روایات پیش‌گفته، جواز نگاه شوهر به سر و صورتِ زن مردهٔ خود و عدم جواز نگاه به دیگر قسمت‌های بدن وی به دست می‌آید؛

ب) مردان محرم بر زن، تنها در صورت نبودن زن مسلمان، می‌توانند او را از روی لباس غسل دهد؛

ج) از روایات، جواز نگاه مرد بر بدن زن محرم به دست نمی‌آید؛

د) بیشتر روایات، درباره زن و شوهر است و روایاتی که در مورد غیر زن و شوهر است، محدود می‌باشد.

باتوجه‌به مطالب مذکور، روشن می‌شود که روایت‌های فراوانی که مرحوم خویی از آنها جواز نگاه به بدن زن محرم را استفاده کرده‌اند، محدود است و بیشترِ روایات، درباره زن میت در بین مردان نامحرم و مرد میت در بین زنان محرم و نامحرم است. همچنین از جمع‌بندی روایات به دست می‌آید که سخنی درباره جواز نگاه مرد محرم به بدن زن یا جواز ظاهر شدن بدن زن برای مرد محرم وجود ندارد. غسل دادن زن از سوی مردان محرم، غیر از نمایان شدن بدن زن است و بین این دو ملازمه‌ای وجود ندارد.

با بررسی روایات در باب غسل میت روشن می‌شود که زن پس از مرگ، زیبایی خود را از دست می‌دهد: «**المرأة أسوأ منظرا إذا ماتت**»؛ (عاملی، ۱۴۱۳، ج۲، باب۲۴ از ابواب جواز تغسیل المرأة قرابتها من الرجال، ج۲، ص۵۳۲، ح۱۲) به همین جهت، بدنِ زن مرده باعث ریبه برای مرد نمی‌شود؛ شاید به همین علت در برخی روایات آمده: «**یغسل بطن کفّیها، ثمّ یغسل وجهها، ثم یغسل ظهر کفّیها**»؛ (همان، ص۵۲۲، ح۱) مرد نامحرم می‌تواند صورت و دست‌های زن میت را بشوید.

در روایت دیگری پیامبر اکرم ﷺ به هنگام عدم غسل زنِ اهل کتاب می‌فرماید: «**ألا یمّمتموها؟!**»؛ (همان، ص۵۲۴، ح۴) چرا تیمّم ندادند؟! باوجود اینکه در تیمّم دادن، بدن مرد نامحرم با زن میّت تماس می‌گیرد. در روایات دیگری آمده است: «یغسل منها موضع الوضوء» (همان، ص۵۲۵، ح۶)؛ موضع وضو از بدن زن را غسل می‌دهد.

۱. از اینگونه روایات به دست می‌آید که نگاه به زن میت و لمس بدن وی نسبت به نگاه و لمس زن زنده، مشکل کمتری دارد و واقعیت خارجی نیز این مطلب را تأیید می‌کند. وقتی مردان محرم نمی‌توانند به بدن زن میت نگاه کنند و حتی غسل او باید از روی لباس باشد، به طریق اولی نمی‌توانند به بدن زن محرم نگاه کنند؛ مگر قسمت‌هایی از بدن که طبق آیات و روایات، پوشاندن آنها در برابر محارم، لازم نیست (سر و گردن و دست‌ها تا مقداری بالاتر از مچ). (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۱ـ۱ـ۴. قول مشهور اجماع

براساس این ادله، جواز نگاه به زنان محرم قطعی است و اختلافی در این مسئله وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۹، ص۷۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۵۱)

اشکال:

۱. باتوجه‌به وجود آیات و روایاتی در مسئله نگاه به زنان محرم، بر فرضِ وجود اجماع، اجماع مدرکی است که باید خود مورد بررسی قرار گیرد.

۲. باتوجه‌به اختلافی که بین فقها وجود دارد، اجماع محقق نمی‌شود. مرحوم فاضل مقداد می‌فرماید: محرمی که حق همبستر شدن با زن را دارد، می‌تواند به همه بدن زن نگاه کند، اما محرمی که حق همبستر شدن با زن را ندارد، به اجماع فقها، نگاه به صورت و پاها و دست‌ها تا مچ جایز است و همچنین به اجماع، نگاه بر عورت به غیر ضرورت جایز نیست؛ اما سایر قسمت‌های بدن این دسته از محرمان بر سه قسم است:

۳. پستان در حال شیر دادن که از نظر حکم، به چهره ملحق می‌شود؛ زیرا بیشتر وقت‌ها به علت ضرورت، در بین محرمان ظاهر می‌شود.

۴. پستان در غیر حال شیر دادن؛

۵. دیگر قسمت‌های بدن.

در دو قسم آخر اختلاف وجود دارد. گروهی این نگاه را مباح می‌دانند؛ چراکه در آیه ۳۱ سوره نور آمده است: «زینت خود را به غیر از شوهران خود، پدرانِ شوهر و پسران و ...، آشکار نسازند»؛ و گروه دیگری این نگاه را حرام می‌دانند؛ زیرا در آیه ۳۱ سوره نور آمده است: «ای رسول ما! به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه ناروا بپوشانند». باوجود این اختلاف، اجماع محقق نمی‌شود.

۲ـ۲. قول غیرمشهور (محدود بودن جواز نظر محارم به بدن زن)

در مقابل قول مشهور، قول دیگری وجود دارد که قائل به پوشش حداکثری در برابر محارم است و ادله‌ای برای این حجاب حداکثری در برابر محارم بیان می‌کند:

۲ـ۲ـ۱. آیات

۲ـ۲ـ۱ـ۱. آیه ۵۵ سوره احزاب

در آیه ۵۵ سوره احزاب آمده: ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾؛ «زنان را باکی نیست که بر پدران و فرزندان و برادرانشان، برادرزادگان و خواهرزادگان و زنان مسلمان و کنیزان ملکی، بی‌حجاب در آیند و از خدا بترسند که خدا بر همه‌چیز کاملاً گواه است».

این آیه درباره همسران پیامبر اکرم ﷺ نازل و بر همگان واجب شد که از پشت پرده با همسران پیامبر سخن بگویند. در این هنگام، پدران آنان گفتند: آیا ما نیز از پس پرده با آنان سخن بگوییم؟ در این هنگام این آیه شریفه نازل شد که پنج دسته از خویشاوندان نسبی را جدا کرد. (سیوطی، بی‌تا، ج۵، ص۲۱۵)

در این آیه، حد پوشش زنانِ پیامبر ﷺ در برابر محارم ذکر نشده است؛ اما می‌توان گفت که آنها در پوشش، همان وظیفهٔ پیش از نازل شدن آیه شریفه را داشتند؛ یعنی همان مواضعی را که پیشتر می‌پوشاندند، پس از نزول آیه نیز باید پوشیده شود و قسمت‌هایی را که نمی‌پوشاندند، پس از آن نیز پوشاندن آنها لازم نیست. درنتیجه، آگاهی از چگونگیِ پوشش زنان پیامبر ﷺ پیش از نازل‌شدن آیه حجاب، در بحث پیش رو تأثیر دارد که در ادامه خواهد آمد.

آیه ۳۱ سوره نور

۲ـ۲ـ۱ـ۲. در آیه ۳۱ سوره نور آمده: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ «ای رسول! زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را (از گناه ناروا) بپوشانند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند؛ جز برای شوهران خود و پدران و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسرانِ برادر و خواهران خود و زنان خود (زنان مسلمه) و کنیزان ملکی خویش و اتباع (خانواده که رغبت به زنان ندارند) از زن و مرد یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند و به‌گونه‌ای پا به زمین نکوبند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود و ای اهل ایمان همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید».

در توضیح این آیه باید به چند نکته اشاره کرد:

۱. بخشی از آیه ۳۱ سوره نور، درباره پوشش بانوان در برابر محارم است. در این آیه آمده که زنان باید زینت خود را بپوشانند و در ادامه استثنائاتی را ذکر می‌کند که پوشش زنان در برابر آنها لازم نیست.

۲. در آیه ۳۱ سوره نور ابتدا شوهران مطرح می‌شوند. شوهر حق هر گونه نگاه لذت‌جویانه به همسر خود را دارد. دسته دوم تا هشتم، همان خویشاوندان نسبی هستند که در آیه ۵۵ سوره احزاب نیز مطرح شده است. لذا می‌توان گفت همانگونه که زنان پیامبر اکرم ﷺ می‌توانند زینت خود را برای خویشان نسبی آشکار کنند، زنان مؤمن نیز می‌توانند زینت خود را برای خویشان نسبی آشکار کنند. زنان مؤمن در برابر دسته سوم و پنجم وظیفه‌ای در پوشش ندارند

و می‌تواننـد زینـت خـود را بـرای آنها ظاهر کنند. این دو دسـته، در آیه ۵۵ سـوره احزاب که در مورد زنان پیامبر اکرم ﷺ بود، ذکر نشد؛ زیرا پدرِ پیامبر زنده نبودند و ایشان فرزند پسری نیز نداشتند.

۳. در آیـه ۳۱ سـوره نـور نیـز مانند آیه قبل، به‌صراحت حدود پوشـش بانـوان در برابر محارم ذکر نشـده اسـت؛ اما از ظاهر آیهٔ شـریفه اسـتفاده می‌شـود که زن در برابر خویشـاوندانِ هفت‌گانـه، بلکـه در برابر تمام گروه‌هـای دوازده‌گانهٔ استثناءشـده، همان حالت قبلیِ حجاب را دارد؛ یعنی قسـمت‌هایی را که پیشـتر می‌پوشاند، از ایـن پس هم باید بپوشـاند و قسـمت‌هایی را که نمی‌پوشـاند، پـس از نزول آیه، پوشـاندن آنها لازم نیسـت. حد پوشـش بانوان در برابر این گروه‌های دوازده‌گانه را می‌توان از همین آیه و شأن نزول و روایات ذیل آن مشخص کرد:

۴. «**ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ**؛ باید روسری‌های خود را بر گریبان خود گره زنند». ازاین فراز به دسـت می‌آید که زنان، پیش از آیهٔ حجاب، یا روسـری نداشـتند و یا روسـری داشـتند، امـا آن را در جـای دیگری گـره می‌زدند. همچنین با اسـتفاده از روایات به دسـت می‌آید که زنان روسـری داشـتند و آن را از بالای گوش به پشت سر می‌بردند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۵۲۱، ح۵) درنتیجه روشـن می‌شـود که زنان در برابر محارم، کمر و شکم و... را می‌پوشاندند؛ چراکه معقول نیست شارع، دستور پوشش گردن و گوش‌ها را بدهد، ولی امر به پوشش قسمت‌های دیگری نکند که شهوت‌انگیز است.

۵. «**ولا یضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ**؛ پاهای خود را به زمین نکوبند تا آنچه پنهان می‌دارند، آشـکار شـود». باتوجه‌به این فراز، مشـخص می‌شود که بانوان در آن عصر، در پای خود زینتی داشـته‌اند که پنهان بوده و با زدن پا بر زمین، آشـکار می‌شد. ازآنجاکه آیه، این زینت را زینت پنهان (لیعلم مایخفین) دانسته است، به دسـت می‌آید که بانوان در عصر نزولِ آیه، لباس‌ها و شـلوارهای بلندی بر تن می‌کردند که به‌طور کامل روی خلخال را می‌پوشاند. (عابدینی، ۱۳۷۹)

۶. «**لا یبدین زینتهنّ الا ما ظهر منها**؛ زینت‌های خود را جز آنچه ظاهر است، آشکار نکنند». باتوجه‌به اینکه پس از نزول این آیه، زنان باید دست‌ها را تا مچ می‌پوشاندند، معلوم می‌شود که قبل از نزول آیه، دست‌های زنان به‌طور کامل برهنه نبوده، بلکه به احتمال زیاد دست‌ها تا آرنج پوشیده بوده است؛ لذا در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده: «﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ **فهی: الثیاب و الکحل و الخاتم و خضاب الکف و السوار و الزینة ثلاث: زینة للناس و زینة للمحرم و زینة للزوج: فأما زینة الناس فقد ذکرناه و أما زینة المحرم فوضع القلادة فما فوقها و الدملج و ما دونه و الخلخال و ما أسفل منه و أما زینة الزوج فالجسد کلّه**»؛ (قمی، ۱۴۰۴، ج۲، ص۱۰۱) امام باقر علیه‌السلام درباره قول خداوند که «زینت‌های خود را ننمایانند، مگر آنچه به‌خودی‌خود نمایان است»، فرمود: زینت‌های آشکار عبارت است از: لباس، سورمه، انگشتر، حنای دست و النگو. زینت بر سه قسم است: زینت برای مردم و برای محرم و برای شوهر. زینت برای مردم، همان لباس، سورمه و... است. زینت برای محرم جای گردنبند و بالاتر از آن و جای بازوبند و پایین‌تر از آن و جای خلخال و پایین‌تر از آن است و زینت برای شوهر، تمامی بدن است. آنچه در این روایت به‌عنوان زینت برای خویشاوندان ذکر شده، همان چیزی است که پیش از این از آیه قرآن فهمیده شد. «دملج» به معنای بازوبند و دستبند است؛ اما اگر مراد دستبندی باشد که بانوان آن را بر مچ می‌بندند، درنتیجه جایی که دیدن آن جایز است، برای محرم و نامحرم یکسان می‌شود که بی‌گمان این معنا مراد نیست؛ زیرا روایت بر آن است که محدوده زینت برای محرم را نسبت به محدودهٔ زینت برای نامحرم توسعه دهد. بنابراین «دملج» به معنای بازوبند است و بانوان می‌توانند بازوبند و جای آن، تا به سر انگشتان را در برابر محارم ظاهر کنند. آنچه از این آیه فهمیده شد با آنچه از روایت به دست می‌آید، هماهنگی دارد؛ اما روایت

درباره دست بیان روشنی دارد و نشان می‌دهد که بانوان باید در برابر محارم، دست را تا بازو بپوشانند. (عابدینی، ۱۳۷۹)

در روایت دیگری فضیل‌بن‌یسار می‌گوید: **سألت أباعبدالله ﷺ عن الذراعین من المرأة أهما من الزینة التی قال الله تبارک و تعالی ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾؟ قال: «نعم و ما دون الخمار من الزینة و ما دون السوارین»** (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۵۲۱، ح۱)؛ یسار می‌گوید: از امام صادق ﷺ درباره ساعدهای زن پرسیدم که آیا آنها جزو زینتی است که خداوند می‌فرماید: (زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان)؟ فرمود: «بله و پایین‌تر از روسری از زینت است. گویا فضیل‌بن‌یسار می‌دانسته است که زنان باید کتف‌ها و دست‌های خود را تا بازو از محرمان بپوشانند، ولی نمی‌دانست که آیا علاوه بر کتف و بازو، ساعد نیز باید پوشانده شود یا خیر؟ امام ﷺ شرح می‌دهد: آنچه زیرِ النگوست؛ یعنی مچ و بالاتر از کف دست به مقدار تقریبی یک قبضه جزو زینت است، اما پوشش این زینت در برابر محارم لازم نیست. بنابراین امام ﷺ با واژه (نعم)، جواب سائل را به‌طور اجمالی داد و تمام ساعد را زینت قرار داد که پوشش آن از محارم لارم نیست؛ ولی در شرح کلام خود (نعم) فرمود: به‌اندازه جای النگو، حدود یک قبضه از ساعد، در برابر محارم واجب نیست. (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۲ـ۱ـ۳. آیه ۳۰ سوره نور

در آیه ۳۰ سور نور آمده: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾؛ «به مردان باایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی پیشه ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است».

در اینکه مردان مؤمن از چه چیزی باید دیدگان خود را بپوشانند، چند احتمال وجود دارد:

۱. از نگاه به شرمگاه‌ها باید چشم بپوشند و ﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ قرینه بر مطلب خود است. به‌عبارت‌دیگر (فروجهم) که مفعول (یحفظوا) است، بر متعلق (یغضّوا) دلالت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج۱۵، ص۱۲۱)

۲. متعلّق (یغضّوا) می‌تواند (ما حرّم الله) باشد؛ یعنی مردان مؤمن، نگاه خود را از تمام حرام‌های الهی بپوشانند. در این صورت باید حرام الهی از راه دیگری ثابت شود تا موضوعِ حکم، پوشاندن چشم باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج۱۴، ص۴۳۷)

۳. متعلق (یغضّوا) می‌تواند هر چیزی باشد که موجب برانگیختن شهوت شود؛ هرچند پیش از این، حرام بودن آنها با دلیل دیگری ثابت نشده باشد؛ به دو دلیل ممکن است همین احتمال در آیه موردنظر باشد:

الف) شأن نزول آیهٔ شریفه، نگاه شهوت‌آلود جوان انصاری به زنی بود که از کوچه می‌گذشت و در این نگاه، چنان از خود بی‌خود شد که صورت او با شیء بُرنده‌ای که در دیوار بود، برخورد کرد و مجروح شد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۵۲۱، ح۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۳، ص۵۸۸، ح۹۳) در آن زمان هنوز حکم حجاب و نگاه نازل نشده بود؛ بنابراین نگاه جوان، نگاه حرام نبود، بلکه نگاه انگیزانندهٔ شهوت و غافل‌کننده بود.

ب) اگر متعلق (یغضوا)، (ما حرّم الله) یا (فرج) باشد، آیه حکم جدیدی را بیان نکرده، بلکه تأکید بر احکام گذشته است؛ زیرا همان دلیلی که حرام بودن نگاه به چیزی یا حرام بودن نگاه به شرمگاه را می‌گوید، کافی است. بنابراین برای اینکه آیه از تأکیدورزی بر احکام پیشین خارج شود و بیان‌کننده حکم جدیدی باشد، باید متعلق آن (و ما یثیر الشهوة) باشد. نتیجه اینکه پوشش بانوان در برابر محارم نباید به‌گونه‌ای باشد که موجب تهییج شهوت شود و پوشش حداقلیِ بانوان در برابر محارم، برانگیزاننده شهوت خواهد بود و مردان محرم باید از آن چشم بپوشند. (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۲ـ۱ـ۴. آیه ۵۹ سوره نور

در آیه ۵۹ سوره نور آمده: ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾؛ «چون کودکانِ شما به سن بلوغ رسیدند، باید از شما اجازه بگیرند، همانگونه که آنان که پیش از ایشان بودند، اجازه

می‌گرفتند و خدا اینگونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است».

خداوند در آیه ۵۹ سوره نور، پیش از این آیه می‌فرماید: «افراد نابالغ لازم نیست اجازه بگیرند؛ مگر در سه وقت»؛ زیرا دیدن مادر با لباس خواب، برای کودکان شهوت‌انگیز نیست؛ اما وقتی به سن بلوغ می‌رسند، باید به هنگام ورود به اتاق مادر، اجازه بگیرند؛ بنابراین معلوم می‌شود که دیدن مادر، بر بالغان و نابالغان یکسان نیست و فرزند نابالغ می‌تواند مادر را در لباس خواب ببیند، اما فرزند بالغ چنین اجازه‌ای ندارد. (همان) ازاین‌رو این آیه دلالت بر محدودیت پوشش بانوان در برابر محارم دارد.

۲ـ ۲ـ ۲. روایات

الف) قال علی علیه‌السلام: «یا رسول الله! أمّی أستأذن علیها؟ قال: «نعم»؛ قال: «و لم یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؟»؛ قال: «أیسرّک أن تراها عریانا؟»؛ قال: «لا»؛ قال: «فأستأذن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۱، ص۳۸، ح۳۷)؛ امام علی علیه‌السلام فرمودند: ای رسول خدا! آیا برای ورود بر مادرم، از ایشان اجازه بگیرم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آیا شاد می‌شوی که مادرت را عریان ببینی؟ امام علی علیه‌السلام فرمود: خیر؛ سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: پس اجازه بگیر.

ب) قال علی علیه‌السلام: «قال: رجل لرسول الله: یا رسول الله! أختی تکشف شعرها بین یدی؟ قال: لا؛ إنّی أخاف إذا أبدت شیئا من محاسنها و من شعرها و معصمها أن تواقعها» (همان، ح۳۸)؛ امام علی علیه‌السلام فرمود: مردی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: ای رسول خدا! آیا خواهرم می‌تواند موهایش را پیش من آشکار کند؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خیر؛ می‌ترسم اگر مقداری از زیبایی و موها و زیورهای خود را آشکار سازد، به آمیزش بینجامد.

ج) از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود: **«اذا قبّل أحدکم ذات محرم قد حاضت: أخته أو عمّته أو خالته فلیتقبّل بین عینیها و رأسها و لیکف عن خدّها و فیها»** (همان، ح۳۹)؛ هرگاه کسی از شما خواست از افراد محرمِ بالغ مانند خواهر، عمه یا خاله را ببوسد، باید بین دو چشم و سرش را ببوسد و از بوسیدن گونه‌ها و دهان وی خودداری کند.

در روایات مذکور، حکمت‌هایی درمورد پوشش زن در برابر محارم ذکر شده

است. در روایت نخست، پیامبرﷺ به علی علیه‌السلام دستور می‌دهد که به هنگام وارد شدن بر مادرش اجازه بگیرد؛ این در حالی است که از ظاهر روایات برمی‌آید که مادر امام علی علیه‌السلام در منزل تنها بوده و پدر آن حضرت حضور نداشته است. در غیر این صورت حضرت باید اینگونه سؤال می‌کرد: آیا برای وارد شدن بر پدر و مادرم اجازه بگیرم؟ همچنین وقتی حضرت علی علیه‌السلام از پیامبرﷺ درباره چراییِ این حکم سؤال می‌کند، رسول خدا می‌فرماید: آیا از اینکه مادر خود را برهنه ببینی، خوشحال می‌شوی؟ با اینکه معمول نبوده و نیست که زن به هنگام تنها شدن در خانه، تمام بدن خود را برهنه کند؛ بنابراین مراد از برهنه دیدن مادر، برهنگی کامل نیست به‌گونه‌ای که شرمگاه او ظاهر می‌شود؛ بلکه مراد این است در لباسی باشد که سر و سینه و دیگر زیبایی‌های بدن وی نمایان شود. بنابراین اجازه گرفتن پسر از مادر، برای این است که پسر قسمت‌های پنهان بدن مادر مانند سینه، شکم و ساق‌های او را نبیند.

از روایت دوم روشن می‌شود که برانگیخته شدن شهوت، تنها با دیدن زنان بیگانه نیست و چه‌بسا با دیدن زیبایی‌ها و زیورهای خواهر، مادر، عمه، خاله و... شهوت برانگیخته شود و موجب عمل فحشا گردد؛ ازاین‌رو پیامبرﷺ فرمودند: «**أخاف أن یواقعها**».

در روایت سوم امر به بوسیدن بین دو چشم و سر شده و از بوسیدن گونه و دهان زن محرم نهی شده است؛ زیرا گاهی شیطان و نفسِ وسوسه‌انگیز، کار را بر انسان پوشیده می‌دارد و می‌پندارد بوسه بر بانوان محرم از روی مهرورزی است؛ درحالی‌که صحنه‌گردان شیطان است. (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۲ـ۳. عقل

مقدمه حرام، حرام نیست

مقدمهٔ حرام از نظر شرعی حرام نیست؛ زیرا مقدمهٔ حرام، لزوما انسان را به حرام نمی‌رساند؛ مگر اینکه مکلف با اختیار خود، حرام را انجام دهد؛ اما مقدمهٔ حرام، ازنظر عقل نارواست. به‌عبارت‌دیگر عقل، انسان را از انجام کارهایی که زمینه را برای

انجـام حـرام مهیـا می‌کنـد، بازمـی‌دارد؛ ازاین‌رو عقـل اجـازه نمی‌دهد مـرد و زن محرم، ماننـد خواهـر و بـرادر، با لباس نامناسـب در برابـر یکدیگر ظاهر شـوند و دیدن زینت و زیبایی‌های بانوان محرم، ازآنجاکه زمینه گناه را فراهم می‌سـازد، به تناسـب عقل، حرام است. (عابدینی، ۱۳۷۹)

۲ـ۲ـ۴. مذاق شریعت

روح شـریعت اسـلامی با هر چیزی که باعث تحریک شـهوت و ایجاد زمینه فساد شود، ناسازگار است که در آیات و روایات مختلفی به آن اشاره شده است.

۲ـ۲ـ۴ـ۱. آیات

الف) آیه ۳۲ سوره احزاب

در آیه ۳۲ سوره احزاب خداوند به زنانِ پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ﴾؛ «با ناز و کرشمه سخن نگویید تا آنکه بیماردل است، حرص بورزد».

ب) آیه ۳۰ سوره نور

در آیه ۳۰ سـوره نور، خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ، ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾؛ «بـه مـردان مؤمـن بگـو چشـم‌ها را (از نگاه‌های ناروا) بپوشند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است».

ج) آیه ۳۱ سوره نور

در آیه ۳۱ سوره نور، خداوند خطاب به زنان می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...﴾؛ «پاهای خود را به‌گونه‌ای به زمیـن نکوبند، تا آنچه از زینـت خود نهفته می‌دارند، آشکار گردد».

د) آیه ۲ سوره تحریم

در آیه ۲ سوره تحریم، خداوند، حضرت مریم علیها السلام را به‌خاطر پاکدامنی می‌ستاید: ﴿وَمَرْيَمَ

ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا﴾؛ «مریم دختر عمران، همان کسی که دامن خود را پاک نگه داشت و ما هم در آن از روح خود دمیدیم».

هـ) آیه ۵ سوره مؤمنون

در آیه ۵ سوره مؤمنون و آیه ۲۹ معارج، خداوند، پاکدامنان را به این صورت می‌ستاید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾.

و) آیه ۳۵ سوره احزاب

در آیه ۳۵ سوره احزاب، خداوند دَه ویژگی از ویژگی‌های مردان و دَه ویژگی از ویژگی‌های زنان را می‌شمارد که سبب غوطه‌ورشدن آنها در دریای غفران الهی و برخوردار شدن از پاداش عظیم می‌شوند که نهمین مورد از این ده ویژگی، پاکدامنی است: ﴿وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ﴾.

۲ـ۲ـ۴ـ۲. روایات

علاوه بر آیات فوق‌الذکر، در برخی روایات، پاکدامنی جایگاه ویژه‌ای دارد و حتی گاهی برای پاک ماندن، توصیه به پرهیز از حلال‌ها شده است تا مبادا از حلال الهی به حرام بیفتند. در زیر به برخی از این روایات اشاره می‌شود.

الف) **قال علی** علیه‌السلام: «قال: **رجل لرسول الله: یا رسول الله! أختی تکشف شعرها بین یدی؟ قال: لا؛ إنّی أخاف إذا أبدت شیئا من محاسنها و من شعرها و معصمها أن تواقعها** (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۱، ص۳۸، ح۳۸)؛ علی علیه‌السلام فرمود: مردی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: ای رسول خدا! آیا خواهرم می‌تواند موهایش را در نزد من آشکار کند؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خیر. می‌ترسم اگر مقداری از زیبایی و موها و زیورهای خود را آشکار سازد، به آمیزش بینجامد.

ب) امام رضا در پاسخ به پرسش‌های محمدبن‌سنان می‌فرماید: «**و حرّم النظر الی شعور النساء المحجوبات بالأزواج الی غیرهنّ من النساء لما فیه من تهییج الرجال و ما یدعوا التهییج الرجال و ما یدعوا التهییج الیه من الفساد و الدخول فیما لا یحل کذ لک ما أشبه**

الشعور(عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۳، ص۶۲۲، ح۲۳۴)؛ [خداوند] چشم دوختن به موهای زنان شوهردار و دیگر زنان را حرام کرد؛ زیرا دیدن موی زنان، شهوت مردان را برمی‌انگیزد و انگیخته شدن شهوت، به فساد و به داخل شدن در آنچه که حلال نیست، می‌انجامد و نگاه به آنچه که مانند مو است نیز به همین جهت حرام شده است.

از ادله‌ای که تا اینجا ذکر شد، به دست می‌آید که پوشش بانوان در برابر محارم باید به‌گونه‌ای باشد که تحریک‌کننده شهوت نباشد و حتی مشهور است که قائل به حجاب حداقلی بانوان (پوشش عورتین) در برابر محارم می‌باشند. همچنین در این زمینه اتفاق‌نظر دارند که نگاه به قسمت‌های دیگر بانوان تا جایی جایز است که از روی لذت و ریبه نباشد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج۷، ص۲۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج۲، ص۸۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۹، ص۷۳) اغلب، دیدن سینه، شکم، ران، کمر، پا تا نیمه‌های ساق و... موجب تحریک شهوت می‌شود؛ اما پوشاندن قسمت‌های دیگر مانند دست‌ها تا آرنج، پاها تا نیمه ساق و سر و گردن لازم نیست؛ چراکه پوشاندن این اعضا موجب حرج می‌شود (زن در بیشتر اوقات با محارم خود در ارتباط است؛ لذا پوشاندن این اعضا، حرج است و حرج در اسلام نفی شده است). البته ازآنجاکه ملاک در پوشش، عدم تحریک شهوت و نگاه لذت‌جویانه است، بنابراین اگر عدم پوشش این اعضا (دست‌ها تا آرنج و...) موجب تحریک شهوت و نگاه لذت‌جویانه شود، پوشش آنها لازم است؛ ازاین‌رو علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله می‌فرماید: آشکار کردن زیبایی‌ها و زینت‌ها از آن جهت برای محارم جایز است که طبیعتِ ارتباط و پیوندهای ویژه (مانند ارتباط خواهر و برادری و پدر و فرزندی)، مانع از هر گونه اندیشه جنسی و شهوانی می‌شود و این بازدارنده‌های فطری از آداب و سنت‌های اجتماعی و ارزش‌های عمیق انسانی نشئت گرفته است؛ درنتیجه اینگونه پیوندها با چنین بازدارنده‌هایی اندیشه‌ها و رفتارهای انحرافی را بسیار دور می‌کند؛ اما گاهی در اثر لغزش‌های روحی و نفسی، انسان متمایل به افکار منحرف درمورد دختر و خواهر می‌شود. این انگیزه‌ها و برانگیخته‌شدن‌ها از

توجیه‌های ضداخلاقیِ بسیار که غریزه را به سرکشی برمی‌انگیزد یا از فیلم‌های غیراخلاقی و مبتذل یا داستان‌ها و رمان‌های شهوت‌انگیز و... ناشی می‌شوند که شاهد نمونه‌هایی از ایـن امورِ غیراخلاقی در جامعه هسـتیم. تجربه نشـان می‌دهد کـه اکنون دیگر تکیه بر سنت‌ها و آداب اجتماعی، در چنین اموری، ضمانت‌اجرای اطمینان‌آوری نیست؛ زیرا به‌آسانی می‌توان ارزش‌های روحی و اخلاقی را با وسایل تبلیغیِ انحرافیِ گوناگون از بین برد. در زمان ما تبیلغات و فیلم‌ها و... موجب برانگیخته‌شدن شهوت جوانان می‌شود و آنان را به بیراهه می‌کشد. در چنین فضای آلوده‌ای اجازه دادن به خواهر و برادر و پسر و مادر، پدر و دختر و... که با هر لباسـی و با هرگونه پوششـی در نزد یکدیگر حاضر شوند، گرفتاری‌ها وناهنجاری‌های بسیاری را پدید می‌آورد. علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله از باب ضرورت و توجه به شرایط موجود در جامعه و جوانان، بر این نکته پافشاری می‌کند که باید (یجوز) در سخن فقیهان به (یحرم) تبدیل شود و پدران و مادران، خردمندان قوم و... چاره‌ای برای درون خانه‌ها بیندیشند. (فضل‌الله، ۲۰۰۲، ص۹۳)

مؤیّـد نتیجهٔ مذکـور (حجاب حداکثری در برابر محارم)، کلام فقهاسـت که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. فاضل مقداد می‌فرماید: زنی که مرد حق همبسـتر شـدن با او را دارد، نگاه کردن به تمام اعضای این زن جایز اسـت؛ اما زنی که مرد حق همبسـتر شدن با او را ندارد، به اجماع، نگاه به صورت، پاها و دسـت‌ها تا مچ جایز اسـت؛ اما سـایر قسمت‌های بدن این دسته از زنان محرم بر سه قسم است:

الف) پستان در حال شیر دادن که از نظر حکم مانند نظر به صورت و دست‌ها و پاها است و جایز است؛ زیرا بیشتر وقت‌ها، ضرورت شدید دارد که در بین محرمان ظاهر شود؛

ب) پستان در غیر حال شیر دادن؛

ج) دیگر قسمت‌های بدن.

در دو قسم آخر، اختلاف وجود دارد. به‌طوری که:

الف) گروهی به دلیل آیه ۳۰ سوره نور، نظر به سایر اعضا را مباح می‌دانند: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ...﴾؛ «زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود، پدران خود، پدران شوهر خود، پسران خود و...»؛

ب) گروهی به دلیل آیه ۳۱ سوره نور نظر به سایر قسمت‌های اعضا را حرام می‌دانند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾؛ «به مؤمنین بگو چشم‌های خود را فرو بندند...». اما فاضل مقداد، نظر و فتوای خود را بیان نمی‌کند. (حلی سیوری، ۱۴۰۶، ج۳، ص۲۲)

از عبارت فاضل مقداد روشن می‌شود که دیدگاهی وجود دارد که نگاه به دیگر قسمت‌های بدن زن را حرام می‌داند و این قول از چنان جایگاهی برخوردار است که فاضل مقداد را از فتوا بازداشته است.

۲. علامه حلی در «قواعد» آخر باب «حد المحارب» می‌فرماید: کسی که بر قومی آگاهی یابد (با دید زدن) بر آن قوم رواست که او را از این کار بازدارند و اگر سر باز زد، با سنگ ریزه او را بزنند؛ اگر نگاه‌کننده با بانوان صاحب منزل محرم بود، تنها بر باز داشتنِ وی اکتفا می‌شود و اگر صاحب منزل به‌سوی او سنگ پرتاب کند، ضامن خواهد بود مگر اینکه زن، برهنه باشد؛ در این هنگام اگر با بازداشتن از نگاه خودداری نکند، به‌سوی او سنگ پرتاب کنند؛ زیرا محرم حق دید زدن و اطلاع بر شرمگاه و بدن بانوان محرم با خود را ندارد. (حلی، ۱۴۱۳، ج۳، ص۵۷۲)

فتوای علامه حلی مبنی بر جواز پرتاب کردن سنگ‌ریزه به‌سوی نگاه‌کننده به محرم در صورتی صحیح است که نگاه محرم به بدن زن، حرام باشد.

۳. نظر آیت‌الله مکارم شیرازی درباره حجاب زنان در برابر محارم: زنان و دختران می‌توانند در برابر محارم خویش سر و گردن و مقداری از سینه و دست‌ها و پاها را نپوشانند، اما سایر قسمت‌های بدن را باید بپوشانند و جایز نیست به شکل نیمه‌عریان در مقابل آنها ظاهر شوند. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی) همچنین در رسالهٔ احکام برای بانوان آمده است: مرد و زنی که با هم محرم هستند

(مانند خواهر و برادر) می‌توانند به بدن یکدیگر به آن مقدار که در میان محارم معمول است نگاه کنند و در غیر آن، احتیاط آن است که نگاه نکنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص۱۷۸، مسئله ۶۲۵)

براساس ادلهٔ ذکرشده و مذاق شریعت و شرایط موجود در جامعهٔ فعلی، بانوان باید در مقابل محارم، حجاب حداکثری داشته باشند و مواضعی که معمولاً در برابر محارم پوشانده می‌شود را بپوشانند تا زمینهٔ ارتکاب گناهان از بین برود.

نتیجه‌گیری

درباره حدود پوشش بانوان در برابر محارم، دو قول وجود دارد:

۱. مشهور فقها قائل به این هستند که نگاه محارم به بانوان به غیر عورتین جایز است و ادله‌ای بر این نظر مشهور بیان شده است؛ مثل آیات، روایات و اجماع که مناقشاتی بر این ادله وجود دارد؛

۲. در مقابل، برخی از فقها قائل به حجاب حداکثری بانوان در برابر محارم هستند. به عقیده این گروه نگاه به بدن زن محرم، غیر از صورت، موها، گردن، مقداری از سینه، دست‌ها و پاها تا مچ و به‌طورکلی نگاه به مواضعی که معمولاً در برابر محارم پوشانده نمی‌شود، جایز نیست. باتوجه‌به آیات و روایات و بررسی پوشش زنان در برابر محارم، قبل از نزول آیات حجاب، این نکته به دست می‌آید که در آیات قرآن، حجاب زنان محرم نسبت به مردان، همان حجاب سابق بوده که زنان تمام بدن به غیر از صورت و موها و گردن و مقداری از سینه و دست‌ها و پاها تا مچ را می‌پوشاندند؛ علاوه بر آنکه پوشش نامناسب بانوان در برابر محارم، مقدمه برخی از گناهان است و از نظر عقلی باید از مقدمه حرام پرهیز کرد تا از ارتکاب مفاسد موجود در گناه جلوگیری شود. ضمن اینکه براساس مذاق شریعت هر چیزی که موجب تهییج شهوت شود، حرام است و لذا پوشش بانوان در برابر محارم باید به‌گونه‌ای باشد که موجب تهییج شهوت نشود و در غالب

مـواردِ نمایـان کـردن مواضعی به غیر از سـر و صورت و گردن و مقداری از سـینه و دسـت و پاها موجب برانگیخته شـدن شـهوت و ارتکاب گناهان بسـیاری در این زمینه می‌شـود؛ لذا سـزاوار اسـت که بانوان در برابر محارم با رعایت حجاب حداکثـری، زمینـه ارتـکاب مفاسـد را از بیـن برده و محیطـی امن بـرای ارتباط با یکدیگر ایجاد کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای.

۲. ابن‌منظور، محمد (۱۴۱۳ق)، لسان العرب، چاپ دوم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۳. اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۴. اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ق)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی: https://old.makarem.ir

۶. حلبی، تقی‌الدین‌بن‌نجم‌الدین (بی‌تا)، الکافی فی الفقه، بیروت: دار الفکر.

۷. جوهری، اسماعیل‌بن‌حمّاد (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.

۸. حلبی، تقی‌الدین‌بن‌نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۹. حلی سیوری، مقدادبن‌عبدالله (۱۴۰۶ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۱۰. حلی، جعفربن‌حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار العلم و دمشق: الدار الشامیة.

۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، تهران: دار الکتاب الاسلامیة.

۱۳. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۰ق)، عروة الوثقی، چاپ ششم، قم: دار التفسیر.

۱۴. طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۵. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۳ق)، مجمع البحرین، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۶. عابدینی، احمد (۱۳۷۹ش)، «پوشش بانوان در برابر مردان محرم»، مجله فقه، ش۲۴.
۱۷. عاملی، زین‌الدین‌بن‌علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ اول، قم: کتاب فروشی داوری.
۱۸. عاملی، محمدبن‌مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. ـــــــــ (۱۴۱۹ق)، ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۰. عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۳ق)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۲۱. عاملی کرکی، علی‌بن‌حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۲. عروسی حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعة (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: نشر اسماعیلیان.
۲۳. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۱۰ق)، العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۲۴. فاضل هندی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۲۰۰۲م)، کتاب النکاح، بیروت: دار الملاک للطباعة و النشر.
۲۶. قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم: دار الکتاب.
۲۷. قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۹. مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. محمودعبدالرحمن، عبدالمنعم (بی‌تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، بی‌جا: بی‌چا.
۳۱. مشکینی، علی (بی‌تا)، مصطلحات الفقه، بی‌جا: بی‌چا.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتاب الإسلامیه.
۳۳. ـــــــــــ (۱۳۸۰ش)، رساله احکام برای بانوان، قم: انتشارات مدرسة الإمام علیّ بن أبی طالب علیه‌السلام
۳۴. موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، چاپ اول، قم: مؤسسه إحیاء آثار الخوئی.
۳۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.